DOI: https://doi.org/10.22067/JLS.V53I2.87097

نشریهٔ علمی جستارهای نوین ادبی، شمارهٔ ۲۱۰، پاییز ۱۳۹۹
مقالهٔ پژوهشی

رائیهٔ ناقصهٔ لبیبی

سیّد امیر منصوری[۱]

چکیده

سـید الشـعرا لبیبی از شـاعران آخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری، قصـیده‌ای دارد با مطلع «چو برکندم دل از دیدار دلبر/ نهادم مهر خرسندی به دل بر». این قصیده اولین قصیدهٔ شناخته‌شده از لبیبی اسـت که محل بحث‌های فراوان توسـط عوفی، رضـاقلی خان هدایت، ملک‌الشـعرا بهار، دبیرسـیاقی و ابراهیم قیصری بوده است. در مقالاتی که رشحهٔ قلم هریک از این افراد بوده زوایایی از حیات و شاعری لبیبی نمایانده شده است. این محققان و در صدر ایشان بهار دریافته‌اند که انتساب این قصیده به فرخی و منوچهری به خطا بوده اسـت و هریک تلاش کرده‌اند تا ریشـهٔ این خطا را بیابند، اما همگی در شناساندن مأخذ اصلی این قصیده و منبع انتساب آن به فرخی و منوچهری به خطا رفته‌اند. در این مقال به بررسـی منبع اصـلی قصـیدهٔ لبیبی و صـورت کامل این قصـیده خواهیم پرداخت؛ صـورتی که بیش از یافته‌ها و اشاره‌های نگارندگان و یادکنندگان شناخته‌شده از این قصیده است.

کلیدواژه‌ها: لبیبی، فرخی، منوچهری، قصیدهٔ رائیه، عوفی، هدایت، ملک‌الشعرا بهار، دبیرسیاقی.

---

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، کارشناسی ارشد نسخه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی
Sa.mansoori@mail.um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۸ خرداد ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۲۳ شهریور ۱۳۹۹

مقدمه

در باب مقام شاعری و شعر و شخصیت لبیبی در منابع مختلف سخنانی ذکر شده است، لیکن هرگز به کمال از احوال و زمان حیات و محل تولد و وفات وی اطلاعی حاصل نشده است (عوفی، ۶۲۰ ق.: ۲/ ۴۰؛ اوحدی بلیانی، ۱۰۲۴ ق.: ۳۶۳۸؛ هدایت، ۱۲۸۸ ق.: ۱۷۵۲؛ بهار، ۱۳۲۴ ش.: ۵۱۸؛ دبیرسیاقی، ۱۳۳۴ ش.: ۴-۱۰؛ سروری، ۱۳۹۱ ش.: ۳۰-۳۲) این همه ناظر به آن است که لبیبی در دورهٔ غزنویان بوده است و از دربار چغانیان به جمع شعرای غزنی پیوسته و زمان وفات او پس از فرخی بوده -به اعتبار این شعر او (گر فرخی بمرد چرا عنصری نمرد)-. همچنین تعداد اشعار او که توسط دبیرسیاقی فراهم آمده است نزدیک به دویست بیت در گنج بازیافته آمده و پس از آن امید سروری ۳۴ بیت دیگر از وی را در سفینهٔ ترمذ منتشر کرده است و در ضمن مقالتی به این قصیدهٔ نو یافته اشاره کرده.

اما آنچه مورد بحث ما در این مقال است قصیده‌ای‌ست طولانی از لبیبی که در منابع مختلف مورد بررسی قرار گرفته و هریک از آن‌ها به شکلی این قصیده را آورده و ناقلان دچار خطاهای زیادی شده‌اند. این قصیده در واقع رائیه‌ای است با مطلع:

چو برکندم دل از دیدار دلبر نهادم مهر خرسندی به دل بر

این قصیده اول بار در لباب الالباب طی ۳۳ بیت ذکر شده است، سپس اوحدی بلیانی در عرفات العاشقین ۳۲ بیت آن را از روی نسخه‌ای که از لباب الباب عوفی در اختیار داشته[1] در تذکرهٔ خود بی ذکر منبع اخذ آورده است، پس از او رضاقلی خان هدایت در مجمع الفصحا به ذکر این قصیده ذیل احوال فرخی سیستانی می‌پردازد (هدایت، ۱۲۸۸ ق.: ۱۵۸۹) و در ترجمهٔ احوال لبیبی یادی از این قصیده نمی‌کند! پس‌ازاین منابع تاریخی است که ملک‌الشعرا بهار در سال ۱۳۲۴ ش. ضمن مقاله‌ای با عنوان قصیدهٔ لبیبی به این رائیهٔ او پرداخته و در ضمن آن به همهٔ منابع مذکور در بالا اشاره کرده است، جز آنکه عرفات العاشقین را از قلم انداخته و در ضمن این مقاله به نسخه‌ای از مجموعهٔ دواوین منوچهری و عنصری اشاره می‌کند که در تملّک لسان الملک سپهر بوده و وی ۵۶ بیت این قصیده را در صفحات بیاض میان دو دیوان با ذکر انتساب این قصیده به فرخی و منوچهری آورده است.

پس از مرحوم بهار است که محمد دبیرسیاقی در لبیبی و اشعار او به سال ۱۳۳۱ ش. به شرح احوال لبیبی می‌پردازد و تمامی آنچه را مرحوم بهار دیده است ذکر می‌کند، بعلاوه به دیوانی خطی از منوچهری و نیز صورتی از آن به شیوهٔ چاپ سنگی اشاره می‌کند که متضمّن این قصیده است و سپس در گنج بازیافته به‌طور مبسوط به این قصیده و صورت‌های مختلف آن در هریک از منابع بالا -جز عرفات العاشقین که او نیز آن را ندیده است- می‌پردازد. پس از

۱. برای شرح نسبت میان لباب الالباب با عرفات العاشقین رک. به تاریخ تذکره‌های فارسی ج. ۲، ص ۸۰-۸۶.

ایشان است که ابراهیم قیصری در سه قصیدهٔ همانند ۱۳۹۱ ش. به ذکر قرابت‌ها و صورت‌های سه قصیدهٔ لبیبی، فرخی و منوچهری می‌پردازد که متضمّن یک موضوع هستند و شکل قصیدهٔ لبیبی را ناقص می‌داند.

در صورت‌های مختلفی که از این قصیده طی تلاش‌های پژوهشگران ادب فارسی به دست آمده است مجموعاً ۵۹ بیت از آن فراهم شده و هنوز نواقص آن پا برجاست و نیز سؤالات متعددی دربارهٔ اینکه این قصیده چطور از منوچهری و یا فرخی دانسته شده باقی‌ست.

بهار بر این عقیده بود که این قصیده از نسخهٔ در تملّک لسان الملک سپهر به دست هدایت رسیده و ذیل اشعار فرخی در مجمع الفصحا قرار گرفته است «مرحوم للەباشی این قصیده را که بدون تردید از روی نسخهٔ لسان الملک برداشته است یک بار در ضمن دیوان منوچهری و هم به نام او چاپ کرده و بار دیگر در جلد اول مجمع الفصحا سر و دست شکستهٔ آن را به اسم فرخی ضبط نموده است» (بهار، ۱۳۲۴ ش.: ۴۳)، این همان عقیده‌ای‌ست که دبیرسیاقی نیز آن را در گنج بازیافته پذیرفته و بر آن صحّه گذاشته است (دبیرسیاقی،۱۳۳۴ ش.: ۶). اما چه شده که این قصیده در مجمع الفصحا به نام فرخی و در دیوان منوچهریِ تدوین شده توسط هدایت ذیل اشعار او آمده است و در زمرهٔ اشعار لبیبی که ترجمهٔ احوال او را هدایت به واسطهٔ عرفات العاشقین از لباب الالباب آورده از آن یاد نکرده، این نکته‌ای‌ست که لاینحل باقی مانده. بهار و دبیرسیاقی به این مهم رسیده‌اند که هدایت به واسطهٔ دیوان در تملّک لسان الملک سپهر دچار این خطا شده، ولی این سخن دچار خدشه است، چراکه دواوین دیگری از منوچهری را به تازگی می‌شناسیم که پیش از نسخهٔ لسان الملک بوده و این رائیه در ضمن آن‌ها نیز از منوچهری دانسته شده است (نسخهٔ ش. ۱۰۷۴، ص. ۵۵-۶۰؛ نسخهٔ ش. ۱۰۷۵، ص. ۴۸-۵۱) و این نسخهٔ آخر پس از انتشار مقالهٔ او در ۱۳۳۱ ش. به دست وی رسیده و در حاشیهٔ همین قصیده به انتساب آن به لبیبی و مقالهٔ خویش اشاره می‌کند. نسخهٔ ش. (۱۰۷۵) در قرن سیزدهم کتابت شده است، لیکن نسخهٔ نخست از دیوان منوچهری در قرن یازدهم استنساخ شده و این امر مشخص می‌کند که انتساب قصیده به منوچهری حداقل دو قرن پیش از دستنویس سپهر نیز وجود داشته است. همچنین در دو مجموعهٔ شعری دیگر از اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم این قصیده آمده است که در مجموعهٔ (۵۳ د) ۱۸ بیت از آن و در مجموعهٔ (۲۴۴۶) ۱۷ بیت قصیده به نام لبیبی درج شده است.

در همهٔ این منابع سخن از انتساب قصیدهٔ رائیه به نام لبیبی و یا منوچهری است، جز آنکه سپهر در نسخهٔ خویش قصیده را میان دو دیوان منوچهری و عنصری درج کرده؛ بنابراین انتساب آن به فرخی از کجا نشأت گرفته است؟ این پرسشی است که با بررسی تذکرهٔ خلاصة الاشعار و زبدة الافکار اثر میرتقی الدین کاشانی (ح. ۹۷۰-۱۰۱۶ ق.) معلوم می‌شود. در نسخه‌ای از این تذکره به تاریخ ۱۰۰۷ ق. صورتی از این قصیده ذیل احوال فرخی سیستانی آمده است که معلوم می‌دارد انتساب این قصیده به فرخی به حوالی سال‌های ۱۰۰۰-۱۰۰۷ ق. می‌رسد، چراکه تقی‌الدین کاشانی نگارش این بخش از تذکره (فرخی) را با توجه به فاصلهٔ زمانی میان نسخهٔ انصاری اصفهانی -که نشانی از

فرخی در آن نیست– با نسخهٔ فیروز بین این سال‌ها انجام داده است و البته در مجمع القصاید از این قصیده نشانی نیست و باید بررسی کرد که چه زمانی به نادرستی انتساب این قصیده به فرخی پی برده است و این مستلزم آن است که دستنویس موزهٔ بریتانیا از خلاصة الاشعار که پس از ۱۰۰۷ ق. تدوین شده است نیز بررسی گردد.

با این وجود ارتباط میان هدایت و دیوان فرخی و درج قصیدهٔ رائیهٔ لبیبی ذیل احوال او به صورت معمایی باقی می‌ماند، تا این که با دقّت بیشتر در خلاصة الاشعار می‌بینیم که نسخهٔ مورخ ۱۰۰۷ ق. در حاشیهٔ برگ ۴۸ ر.[۱] در میان اشعار منوچهری متضمّن یادداشتی است: «از این حد از لامعی است نه از منوچهری، حرّره فقیر هدایت». بنابراین معلوم می‌شود که این دستنویس در اختیار رضاقلی خان بوده است و او احتمالاً از اینجاست که رائیهٔ لبیبی را با اقتفا به خطای تقی الدین کاشانی ذیل احوال فرخی آورده است.

اما صورتی که تقی الدین کاشانی از قصیدهٔ رائیه در تذکرهٔ خود آورده متضمّن ۷۲ بیت است و البته پنج بیت از ابیات سی‌وسه‌گانهٔ مندرج در لباب الالباب و دیوان منوچهری را نیز ندارد و معلوم می‌شود صورت کامل قصیدهٔ لبیبی حداقل ۷۷ بیت داشته است که از کامل‌ترین شکل آن که توسط پژوهشگران ادبی دورهٔ ما تکمیل شده ۱۸ بیت افزون‌تر دارد.

صورت‌های ناقصهٔ قصیدهٔ لبیبی

در این بخش به صورت‌های مختلف قصیدهٔ رائیهٔ لبیبی در منابع مختلف می‌پردازیم و در پایان صورت کاملهٔ آن را به نقل از خلاصة الاشعار خواهیم آورد.

۱. *لباب الالباب*

تعداد ابیات نقل شده در آن ۳۳ بیت است که به ترتیب از این قرار است: ۱، ۳، ۶، ۱۱–۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۸-۴۲، ۴۴–۴۷، ۵۵–۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۸، ۶۹. در این میان ابیات ۱۳، ۲۰، ۳۰، ۳۹ و ۶۹ در لباب است و خلاصة الاشعار آن را ندارد.

۲. *عرفات العاشقین*

ابیات و ترتیب آن‌ها در آن مانند لباب الالباب است، چراکه اوحدی در بخش قدمای تذکرهٔ خود نسخه‌ای از لباب را در اختیار داشته است. اما بیت ۲۶ در عرفات نیست و این بیت همان بیتی است که دو مصرع آن هیچ ارتباط معنایی‌ای با یکدیگر ندارد و ظاهراً صورت اصلی همان است که در خلاصةالاشعار آمده است.

---

۱. برگ‌شماری این نسخه به خطا از برگ دوم آغاز شده است و ما برگ نخست آن را هم محاسبه کرده‌ایم.

۳. *دیوان منوچهری* ش. ۱۰۷۴

این دســتنویس فاقد تاریخ از دیوان منوچهری که متعلق به آخر قرن یازدهم اســت ۵۶ بیت از رائیهٔ لبیبی را در خود حفظ کرده و از این میان فاقد ابیات ۱۴–۱۸، ۲۰، ۶۲–۶۵، ۶۷–۷۷ است.

۴. *دیوان منوچهری* ش. ۱۰۷۵

نسـخه‌ای‌ست از دیوان منوچهری که بنا بر قرائن نسـخه‌شـناسـی در اواسـط قرن سـیزدهم هجری قمری کتابت شـده ظاهراً از نسخهٔ بالا استنساخ شده و کاملاً شبیه به آن است.

۵. *دیوان عنصری و منوچهری* در تملک سپهر

این مجموعهٔ شعری که به شمارهٔ ۷۲۴۵ در کتابخانهٔ مجلس شورا نگهداری می‌شود در ۱۲۶۰ ق. کتابت شده و رائیهٔ لبیبی با عبارت «این قصیده بعضی از فرخی و بعضی از منوچهری دانند» شروع شده است به صورت چلیپا در میان دو مجموعهٔ‌اشعار عنصری و منوچهری به خطی متأخرتر از خط اصلی آمده است و بعدها در تملک بهار قرار گرفته است. تعداد ابیات و ترتیب آن نیز مانند دو دیوان منوچهری‌ست که در بالا ذکر آن رفت.

۶. *دیوان منوچهری* فراهم‌آمده توسط هدایت

بهار در مقالهٔ خود به دیوانی از منوچهری اشاره می‌کند که توسط هدایت فراهم شده بوده و البته به صورت سنگی هم منتشر شده است، در این دیوان نیز ما ۵۶ بیت از قصیدهٔ رائیهٔ لبیبی را مشاهده می‌کنیم و این همان ۵۶ بیتی است که در نسخه‌های دیگر دیوان منوچهری از اواخر قرن یازدهم به او نسبت داده شده است (نسخهٔ ش. ۱۱۲۱۷ ملی ایران: ۱۲۸۸ ق.).

۷. مجموعهٔ ۲۴۴۶ دانشگاه تهران

این مجموعه که اشــعار بســیاری از قدما را به ترتیب الفبایی نام هر شــاعر در خود دارد حدوداً در آخر قرن یازدهم کتابت شده است و ۱۷ بیت از قصیدهٔ رائیهٔ مورد بحث ما به نام لبیبی در صفحات ۶۲۲ و ۶۲۳ آن ذکر شده است. ابیات مذکور از این قرار است: ۱، ۳، ۶، ۱۲، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۲۶، ۲۸–۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۵۵–۵۷.

۸. مجموعهٔ۵۳ د. دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران

این مجموعه نیز در اواخر قرن یازدهم فراهم آمده است و از این قصیده ۱۸ بیت در صفحهٔ ۴۲۵ آن یاد شده که به این صورت است: ۱۳، ۱۸، ۲۵، ۲۹، ۳۳، ۳۴، ۳۸–۴۲، ۴۴، ۴۷، ۵۸، ۶۸، ۶۹.

۹. *مجمع الفصحا*

هدایت ذیل احوال فرخی سیستانی قصیدهٔ مورد بحث ما را آورده است، اما معلوم نیست که چرا او با وجود در درست داشتن عرفات العاشقین به انتساب این قصیده به لبیبی توجه نکرده است، او پیش از درج قصیده می‌گوید: «همانا نخستین قصیده‌یی‌ست که بمدح ابو المظفر محتاج چغانی گفته و از آنجا بخدمت امیر نصر و سلطان محمود افتاده چنانچه از چهار مقاله نظامی عروضی علیه‌الرحمة این فقره نوشته شد» (هدایت، ۱۲۸۸ ق.: ۱۵۸۹) اما آنچه او ذکر کرده نه از چهار مقاله بلکه از خلاصة الاشعار است. صورت ۲۸ بیت نقل شده در چاپ سنگی ذیل احوال فرخی از این قرار است: ۱-۳، ۲۵-۳۱، ۳۳، ۳۶، ۳۸-۴۲، ۴۴، ۴۶-۴۹، ۵۲، ۵۳، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۶.

قصیدهٔ رائیه[۱]

۱)	چو برکندم دل از دیدار دلبر	نهادم مهر خرسندی به دل بر
۲)	تو گویی داغ سوزان برنهادم	به دل کز دل به دیده برزد آذر
۳)	شرر دیدم[۲] که بر رویم همی جست	ز مژگان همچو سوزان شفشهٔ[۳] زر
۴)	مرا دید آن نگارین چشم گریان	جگر بریان و پر خون عارض و بر
۵)	به چشم اندر شرار از آتش عشق	به چنگ اندر عنان جنگ‌زیور[۴]
۶)	مرا گفت آن دل‌آرام بی‌آرام[۵]	که داری مر مرا[۶] بی‌خواب و بی‌خور
۷)	ز جابلسا به جابلقا رسیدی	همان از باختر رفتی به خاور
۸)	سکندر نیستی لیکن دوباره	بگشتی در جهان همچون سکندر
۹)	ندانم تا تو را چند آزمایم	چه مایه بینم از کار تو کیفر
۱۰)	مرا در آتش هجران چه سوزی	چه داری عیش من بر من مکدّر
۱۱)	گله دارم از این راه بی‌آرام[۷]	فرو نه یک ره و برگیر ساغر
۱۲)	فغان زین بادپای کوه دیدار	فغان زین رهنورد هجرگستر

---

۱. متن از خلاصةالاشعار است (خل) و در برخی موارد از لباب الالباب (لب) و یا دیوان‌های منوچهری مذکور در متن (من) استفاده شده است؛ ابیات ستاره‌دار* اشعاری‌ست که قدیمی‌ترین صورت آن را تاکنون صرفا در خلاصة الاشعار یافته‌ایم و نسخهٔ دیگری از آن سراغ نداریم.

۲. دیدی، «خل»: دیدی.

۳. شفشهٔ، «لب»: سونش؛ شفشه .[شَ / شِ / شُ شَ / شِ] (اِ) شوشهٔ طلا و نقرهٔ گداخته در ناوچهٔ آهنین ریخته. (برهان).

۴. جنگ‌زیور، «من»: خنگ رهبر.

۵. بی‌آرام، «من»: ای بیارام.

۶. که داری مر مرا، «من»: همیشه تازیان.

۷. گله ... بی‌آرام، «لب»: هوا اندوده رخساره به دوده.

۱۳) هما[نا] از فراق است آفریده		که دارد دور ما را یک ز دیگر
۱۴) *فراموشی‌ست با او دور و نزدیک		به وهم اندر به سیر از کرّ و از فر
۱۵) *از او هفتاد کشور با تو یک پی		ز تو یک پی بدو هفتاد کشور
۱۶) *مرا با کام دارد کام زخمش		ندادم گر ببالم رو به داور
۱۷) *همی گفت و همی خوردم تأسف		ز درد فرقت آن خوب دلبر
۱۸) خرد زین سو کشید و عشق زان سو		فروماندم من اندر کار مضطر[1]
۱۹) به دلبر گفتم ای از جان شیرین		مرا بایسته‌تر بسیار و خوش‌تر
۲۰) مخور غم می‌روم درویش زین جا		ولیکن زود بازآیم توانگر[2]
۲۱) سفر بسیار کردم راست گویی		سفرهایی همه بی سود و بی بر
۲۲) بدانم[3] سرزنش کردی روا بود		گذشته است، از گذشته یاد ماور
۲۳) از این رفته نگر تا غم نداری		که زی تو زود بازآیم توانگر[4]
۲۴) برفت از پیشم و پیش من آورد		بیابان‌بُر ره‌انجامی مُضمَّر[5] [۵۴ ر]
۲۵) رهی صعب[6] و شب تاریک و تیره		هوا چون قیر زو هامون مقیّر[7]
۲۶) هوا اندوده رخساره به دوده		سپهر آراسته چهره به گوهر[8]
۲۷) *گمان بردی که باد اندر پراکند		به روی سبز دریا برگ عبهر
۲۸) خم شوله[9] چو خمّ زلف جانان		مُغَرَّق گشته اندر لؤلؤی تر
۲۹) مُکَلَّل گوهر اندر تاج اکلیل		به تارک برنهاده غَفره[10] مغفر

---

۱. خرد ... مضطر، «خل»: -، از «لب» نقل شد.

۲. مخور ... توانگر، «خل»: -، از «لب» نقل شد.

۳. ندانم، «خل»: ندانم، از «من» نقل شد.

۴. از این ... توانگر، «لب»: مخور غم می‌روم درویش از اینجا/ ولیکن زود بازآیم توانگر.

۵. مضمّر، «سپ»: مشمّر؛ مضمر. [مُ ضَ مَ مْ مَ] (ع ص) اسب تیزرفتار باریک میان.

۶. صعب، «لب»: دور.

۷. هوا ... مقیّر، «لب»: هوا فیروز و هامون چون مقیّر.

۸. این بیت در دو بیت مجزا بدین صورت در «لب» آمده است: هوا اندوده رخساره به دوده/ فرو نه یک ره و برگیر ساغر- فرودآ زود و زین را زین بیارام/ سپهر آراسته چهره به گوهر.

۹. شوله، «لب»: شوکه؛ شوله: [شَ لَ] (اِخ) نام یکی از منازل قمر. (برهان)، [شَ / شُو لَ / لِ] (از ع، اِ) شولة: نیش عقرب که مرتفع باشد.

۱۰. پوشش.

(۳۰) مِجــرَّه چـــون بـــه دریابـــار موســـی — کــه انـــدر قعـــر او بگذشـــت لشــکر[۱]
(۳۱) بنـات الـنعش[۲] چـون طبطـاب[۳] سـیمین — نهـــاده دســـت زیـــر و پهنـــه از بـــر
(۳۲) همـــی گفـتم کـه طبطـاب فلـک را — چـه گـویی گـوی شـاید بـردن ایـدر
(۳۳) زمـانی بـود و مـه سـر بـرزد از کُـه — بـــه رنـــگ روی مهجـــوران مُزَعفَـــر
(۳۴) چـــو زرانـــدود کـــرده گـــوی ســـیمین — شـــد از دیـــدار[۴] او گیتـــی منـــوّر
(۳۵) مـرا چشـم انـدر ایشـان خیـره مانـده — روان مـــدهوش و مغـــز دل مفکّـــر
(۳۶) بـه ریـگ انـدر همـی شـد بـاره زان سـان[۵] — کـــه[۶] در غرقـــاب مـــرد آشـــناور
(۳۷) بـرون رفـتم ز ریـگ[۷] و شـکر کـردم — بـــه ســـجده پـــیش یـــزدان گروگـــر
(۳۸) دمنـــده اژدهـــایی پـــیش آمـــد — خروشـــان و بـــی آرام و زمـــین‌در[۸]
(۳۹) شکم مالان به هـامون بـر همـی رفـت — شـــده هـــامون بـــه زیـــر او مقعّـــر[۹]
(۴۰) گرفتـــه دامـــن خـــاور بـــه دنبـــال — نهـــاده بـــر کـــران بـــاختر ســـر
(۴۱) بـــه بـــاران بهـــاران بـــوده فربـــی[۱۰] — ز[۱۱] گرمـــای حزیـــران گشـــته لاغـــر
(۴۲) از او زاده اسـت هرچـه انـدر جهـان هسـت — ز هرچـه انـدر جهـان اسـت او جـوان‌تر
(۴۳) شـــکوه آمـــد مـــرا و جـــای آن بـــود — کـــه جـــای او دخـــانی بـــود منکـــر
(۴۴) مـدیح شـاه برخوانـدم بـه جیحـون — برآمـــد بانـــگ از آب اللّـــه اکبـــر
(۴۵) تواضـــع کـــرد بســـیار و مـــرا گفـــت — ز مـــن مشـــکوه و بـــی آزار بگـــذر

۱. مجرّه ... لشکر، «خل»: –، از «لب» نقل شد؛ بار، «سپ»: راه. مجره: [مَ جَ رْ رَ] (ع اِ) کهکشان و آن خط سفیدی است که به شب در آسمان دیده می شود (غیاث).

۲. بنات النعش: [بَ تُنْ نَ] (اِخ) هفت اورنگ (حاشیهٔ فرهنگ اسدی نخجوانی) ستارهٔ معروف به هفت ستارگان در شمال و جنوب ، چهار از وی را نعش و سه را بنات گویند. و آن دواند: بنات النعش الکبری و بنات النعش الصغری (شرفنامهٔ منیری).

۳. طبطاب: [طَ] (ع اِ) آن چوب که گوی بر آن براندازند (مهذّب الاسماء).

۴. دیدار، «به»: انوار.

۵. به ریگ ... زان سان، «خل»: به رنگ اندر همی شد باره تازان، متن نقل از «لب».

۶. که، «خل»: چو، متن از «لب».

۷. رنگ: به قرینهٔ ضبط «لب» (ریگ) در بیت قبل احتمالا «ریگ» است.

۸. دمنده ... زمین‌در، «لب»: + ، در «سپ» پس از بیت ۳۳ آمده است.

۹. این بیت در «۱۰۷۴» قبل از بیت ۳۷ است.

۱۰. بوده فربی، «خل»: گشته فربه، متن نقل از «لب».

۱۱. ز، «خل»: به.

۴۶) کـه مـن شـاگرد کـف راد اویـم　　کـه تـو مـدحش همی‌خـوانی از بـر
۴۷) بـه فـرّ شـاه از بیـرون گذشـتم　　یکـی مـوی از تـن مـن ناشـده تـر
۴۸) وز آنجـا تـا بـدین درگـاه گفتـی　　گشادسـتند مـر فـردوس را در
۴۹) همـه بـالا پـر از دیبـای رومـی　　همـه پسـتی پـر از کـالای ششـتر
۵۰) کجـا سـبز اسـت بـر فـرق مفقـد[1]　　کجا شاخ اسـت بـر شـاخش مشجّر
۵۱) یکـی چـون صـورت مـانی مـنقّش　　یکـی چـون نامـهٔ آذر مصـوّر
۵۲) تـو گفتـی هیکـل زردشـت[2] گشـته اسـت　　ز بـس لالـه همـه صـحرا سراسـر
۵۳) گمـان بـردی کـه هـر سـاعت برآیـد　　فـراوان آتـش از دریـای اخضـر
۵۴) بـدین حضـرت بدانگونـه رسـیدم　　کـه زی فرزنـد یعقـوب پیمبـر
۵۵) همـان کـین منظـر عـالی بدیـدم[3]　　رهـا کـردم سـوی جانـان کبـوتر
۵۶) کبـوتر سـوی جانـان بـال بگشـاد[4]　　بشـارت‌نامه زیـر پـرّش انـدر
۵۷) بـه نامـه در نبشـته[5] کـای دل‌آرام　　رسـیدم دل بـه کـام و کـان بـه گـوهر
۵۸) بـه درگـاهی رسـیدم[6] کـز بـر او　　نیـارد زو گذشـتن خـط[7] محـور
۵۹) سـرایی مـر سـعادت پیشـکارش　　زمانـه چـاکر و دولـت کـدیور
۶۰) بـه صـدر انـدر نشسـته پادشـاهی　　ظفریـاری بـه کنیـت بـوالمظفر
۶۱) بـه تـاجش[8] برنبشـته عهـد آدم　　بـه تـیغش[9] درسرشـته هـول محشـر
۶۲) *مبـایع رای او را بخـت مسـرور　　موافـق لفـظ او را سـعد اکبـر
۶۳) *نـدارد خشـم او را روز بهـرام　　نـدارد جـود او را پای/نـای کـوثر
۶۴) *ره صـلح و ره جـنگش گشـاده اسـت　　نهـاده پـیش نیـک و بـد برابـر

۱. فرق مفقد، «من»: فرقش معقّد، مفقّد: پنهان، نهان.
۲. زردشت، «خل»: زرد است، متن از «من».
۳. همان ... بدیدم، «لب»: بدین درگاه عالی چون رسیدم.
۴. بال بگشاد، «لب»: کرد پرواز.
۵. نبشته،«خل»: نوشته.
۶. رسیدم، «لب»: سپردم.
۷. زو گذشتن خط،«لب»: تند رفتن چرخ.
۸. تاجش،«لب»: نامش.
۹. تیغش ، «لب»: کینش.

۶۵)	*یکـی روشـن‌تر اسـت از رای مـؤمن	یکـی تـاری‌تر اسـت از جـان کـافر
۶۶)	زن ار از هیبـــت او بـــار گیـــرد	چـه خواهـد زاد تمسـاح و غضـنفر[1]
۶۷)	*سـخاوت کـف او را قهرمـان اسـت	شـــجاعت نیـــزهٔ او را بـــرادر
۶۸)	جهـان را خـور کنـد روشـن ولـیکن[2]	ز رای او ســتاند روشـــنی خـــور[3]
۶۹)	ز بـــار همّـــت او گشـــت گـــوئی	بـدین کـردار پشـت چـرخ چنبـر[4]
۷۰)	*بـه افسـر فخـر باشـد خسـروان را	از او دارد نشـــان مفخـــر افســـر
۷۱)	*به لشکر داشـت شـاید ملـک لـیکن	بـه زور انـدر توانـد داشـت لشـکر
۷۲)	*درخـــت از میـــوهٔ دیـــدار او را	بـه جـای بـرگ چشـم آرد همـی بـر
۷۳)	*نخسـبد دشـمنش بـس گـر بخسـبد	نباشـد زیـر وی جـز خـار بسـتر
۷۴)	*به شـاخ خشـک برخـوان مـدح او را	برآیـد راسـت همچـون شـاخ عرعـر
۷۵)	*صـــنوبر را ز رایـــش یـــاد کـــن تـــا	همـــه خورشـــید بـــار آرد صـــنوبر
۷۶)	*بخـوان بـر خـاک وصـف رادی او	اگـر خـواهی کـه گـردد خـاک عنبـر
۷۷)	*ایـــا خورشـــید آزادان گیتـــی	سـپهر رادی و دریـای مفخـر [۵۴ پ]

نتیجه‌گیری

طی این مقال با بررسی سخنانِ بهار و دبیرسیاقی و هدایت معلوم شد که تعداد ابیات بازیافتهٔ ایشان از رائیهٔ لبیبی ۵۹ بیت است، درحالی‌که صورت اصلی آن حداقل ۷۷ بیت و یا متجاوز از آن است و نیز ایشان در یافتن منبع اصلی انتساب این قصیده به فرخی بازمانده‌اند، همچنین مأخذ هدایت در انتساب قصیده به منوچهری را که مقصود نگارش مقالهٔ ایشان بوده است درست تشخیص نداده‌اند. بعلاوه توانستیم مأخذ خطاها را بشناسانیم و ۱۸ بیت از ابیات ناپیدای قصیده را به آن بیفزاییم و نیز دریافتیم که محل اختلاف در انتساب قصیده به فرخی و منوچهری حداقل دو قرن پیش‌تر از زمان شناخته شده توسط محققان ادبی روزگار ما بوده است.

---

۱. زن ... غضنفر، «خل»: زمان از هیبت او بار گیرد/ چو خواهد زاد تمساح و غضنفر.

۲. روشن ولیکن، «خل»: جهان را خور کند رای تو روشن.

۳. ز رای ... خور، «لب»: ز رای اوست دایم روشنی خور.

۴. ز بار ... چنبر، «خل»: – ، از «لب» نقل شد.

کتابنامه

اوحدی بلیانی، تقی للدین محمد بن محمد. (۱۰۲۴ ق.). عرفات العاشــقین و عرصــات العارفین. تصــحیح ذبیح اللّه صاحبکار و دیگران. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. ۱۳۸۹ش.

بهار، محمدتقی. (۱۳۲۴ ش.). «قصیدهٔ لبیبی». آریانا. ش ۹. سال ۳. ص. ۴۱–۴۵.

حسـینی کاشـانی، تقی الدین محمد. (ح. ۱۰۲۲ ق.). خلاصـة الاشـعار و زبدة الافکار. نسـخهٔ ش. ۲۸۲ فیروز، کتابخانه مجلس شورا. ۱۰۰۷ ق.

حسـینی کاشـانی، تقی الدین محمد. (ح. ۱۰۲۲ ق.). مجمع القصـاید. نسـخهٔ ش. ۵۱۳۲۴، کتابخانه آسـتان قدس رضـوی. ۱۰۶۷ ق.

حسینی کاشانی، تقی الدین محمد. (ح. ۱۰۲۲ ق.). خلاصةالاشعار و زبدة الافکار. نسخهٔ ش. ۳۰۹۰۰، کتابخانه ملی ایران. ح. ۱۰۰۰ ق.

خلف تبریزی، محمد حسین. (۱۰۳۰ ق.). برهان قاطع. تصحیح محمد معین. تهران: امیرکبیر. ۱۳۴۲ ش.

دبیرسیاقی، محمد. (۱۳۳۱ ش.). لبیبی و اشعار او. مهر. مرداد ۱۳۳۱ ش. ص ۳۱۰–۳۱۲.

ـــــــــــــ. (۱۳۳۴ ش.). گنج بازیافته. تهران: سازمان انتشارات اشرفی. ۱۳۳۴ ش.

سروری، امید. (۱۳۹۴ ش.). «قصیده‌ای نویافته از لبیبی». نامهٔ فرهنگستان. زمستان ۱۳۹۴ ش. ص. ۳۰–۳۸.

عوفی، محمد بن محمد. (۶۲۰ ق.). لباب الالباب. تصحیح ادوارد براون. لیدن: بریل. ۱۳۲۴ ق.

قیصری، ابراهیم. (۱۳۹۱ ش.). سه قصیدهٔ همانند. مشهد: نشریهٔ پاژ. زمستان ۱۳۹۱. ص. ۳۵–۴۳.

گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۱ ش.). تاریخ تذکره‌های فارسی. تهران: سنایی. ۱۳۶۱ ش.

مجموعهٔ ۵۳ د. دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران. اواخر قرن ۱۱.

مجموعهٔ ۲۴۴۶ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران. اواخر قرن ۱۱.

منوچهری دامغانی، احمد بن قوص. (۴۳۲ ق.). دیوان. نسخهٔ ش. ۱۰۷۴ کتابخانه مجلس شورا. آخر قرن ۱۱.

ـــــــــــــ. (۴۳۲ ق.). دیوان. نسخهٔ ش. ۱۰۷۵ کتابخانه مجلس شورا. اواسط قرن ۱۳.

ـــــــــــــ. (۴۳۲ ق.). دیوان. نسخهٔ ش. ۷۲۴۵ کتابخانه مجلس شورا. ۱۲۶۰ ق.

ـــــــــــــ. (۴۳۲ ق.). دیوان. نسخهٔ ش. ۱۱۲۱۷ کتابخانه ملی ایران. آخر قرن ۱۲۸۸ ق.

هدایت، رضاقلی خان. (۱۲۸۸ ق.). مجمع الفصحا. تهران: میرزا آقا کمره‌ای. ۱۲۸۸ ق.